



سرگذشت و سرنوشت زبان فارسی امروز

«۲»

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در مقاله پیش شرح غروب زبان فارسی، بعد از هجوم عرب به ایران و طلوع آن در دو قرن بعد، بوسیله شاعران بویژه فردوسی و رسیدن به اوج بزرگی و درخشندگی در عصر نظامی و مولوی و سعدی و حافظ، به تفصیل عرض شد اینک به شرح هجوه ناگهانی داخلی به خط و زبان فارسی می‌پردازیم.

✽ جناب آقای حبیب‌الله آموزگار - وزیر فرهنگ و ستادور سابق، از صاحب نظران دانشمند کشور

نخست حمله به زبان فارسی ادبی امروز، حمله‌ای است که از روی کمال حسن‌نیت در سال ۱۳۱۶ شمسی، از طرف محققان، در مورد دیوان حافظ بعمل آمد، گرچه منظور آنان اصلاح دیوان حافظ بوده ولی بصورت‌های گوناگون در آورده‌اند برخی غزل‌های نغز را حذف کرده‌اند (بعنوان آنکه در نسخه نزدیکتر به زمان حافظ دیده نشده است) و تغییر و تحریف بسیاری در کلمات دل‌نشین و دل‌ربا داده‌اند (بعنوان آنکه در نسخه‌های اقرب بزمان حافظ، این چنین دیده شده است).

امان از این کلسه (اقرب) که برای زبان ادبی و روحی حافظ از نیش (عقرب) بدتر و کشنده‌تر شده! و چون در مقاله پیش ما ثابت کردیم که اگر موضوع نزدیکتر بودن بزمان گوینده، اصل و قاعده محسوب شود در مورد دیوان حافظ برعکس است یعنی عملاً دیده شده که دو نسخه که به زمان حافظ اقرب بوده عقرب شده و چه بسا نسخه‌های بعد که درست‌تر و به ذوق نزدیکتر و عامه و خاصه پسندتر شده و در واقع مرهم نیش عقرب بوده است.

در نسخه تصحیح شده محققان در سال ۱۳۱۶ شمسی (که بعقیده خودشان خواسته‌اند خدمت کنند) غلط‌های فاحشی موجود است که بنده ضمن مطالعه اجمالی، نزدیک به پنجاه تغییر فاحش دیده‌ام و اگر به تمام دیوان به اصطلاح اصلاح شده رسیدگی و دقت شود شاید متجاوز از صد مورد باشد که «شغلتننا» «شدرسننا» شده است و ناشرین بی‌گناه و بی‌تفاوت، همان نسخه را در مدت ۳۵ سال چندین بار تجدید چاپ کرده‌اند و اخیراً که متوجه غلط‌کاریها شده درصدد تجدید و اصلاح چاپ آن برآمده‌اند، دو نفر آنها به بنده مراجعه و کومک خواستند که اشتباهات و تغییرات را با اختیار آنها بگذارم.

برای ذکر آخرین دلیل و اثبات آنکه هنوز بسیاری از غلطها و تغییرات بنام (اصلاح) جمع‌آوری نشده‌اند آنست که در مجمعی از دوستان کسی به من گفت شما همه حافظ تصحیح رسمی را دیده‌ای گفتیم نه. گفت بین

محققان مرحوم بادیوان حافظ مرحوم چه کرده‌اند؟ آنگاه این شعر معروف را خواند که: ای کبک خوش خرام که خوش میروی بناز - غره مشو که گربه عابد نماز کرد - نشان داد که مصراع اول را چنین نوشته‌اند: ای کبک خوش خرام کجا میروی بایست «!»

انصاف و قضای در این تغییر خنده‌آور که در عین حال تأثرآور است با خواننده عزیز است و بنده در آنجا مطلب را کوتاه کرده و اطمینان می‌دهم که بهیچ وجه جسارت یا اهانتی بمقام و موقعیت آن دوبررگوار ندارم و اشتباه را ناشی از اختلاف در ذوق و سلیقه می‌دانم و بس!!

حملة دوم به زبان پارسی

حملة ای است که از چندی باین طرف نسبت به تغییر خط فارسی شده است در صورتیکه خط امروزی فارسی بامختصر نقصی که دارد، قابل اصلاح است و زیباترین و کوتاه‌ترین و چشم‌گیرترین خطهای جهان است. چون در این موضوع، علاقه‌مندان به خط و زبان فارسی کم و بیش جواب داده و عیوب زبانهای لاتین را شرح داده و اشکال و نقص و پیچیدگی‌های زبان چینی و ژاپونی را نمایانده‌اند که چگونه در سایه آن نهصد میلیون ملت متمدن قرن‌هاست نورفشانی و عرض وجود می‌کنند، از این رو بنده در این موضوع بهمین قدر اکتفا می‌کنم.

حملة سوم بزبان فارسی امروز:

حملة ای است به لغات در اصل بیگانه، بویژه لغات در اصل عربی که تقریباً نزدیک به بیش از نصف زبان ادبی ما را شامل است. مقداری از لغت ترکی و هندی چندین قرن پیش داخل زمان ما شده است (البته بعد از دوره اسلامی) یعنی از قرن چهارم هجری ببعده تا زمان مغول و تاتار، که تعداد آنها می‌توان گفت از چند صد لغت بیش نیست و آنها جزء زبان ما و در آن حل شده است.

لغات در اصل عربی از صدر اسلام داخل ایران شد و دو قرن حکومت مطلق داشت، و از قرن سوم ببعده در سایه عظمت و قدوسیت قرآن در زبان ما ماند. بعلاوه چون زبان علمی مسلمانان جهان خاصه ایرانیان

دانشمند و حکیم و طیب و فیلسوف، زبان عربی بود، باقتضای زمان، تألیفات آنان همه به زبان عربی شده و از قرن هفتم بعد که مغولان و ترکان زیر اثر تمدن و زبان ایران قرار گرفتند علاوه بر آنکه مسلمان شدند خط و زبان و تمدن ایران را نیز پذیرفتند و متمدن و روشن فکر شدند.

از این رو مقداری زیاد که شاید متجاوز از دوهزار لغت اصلی و مصدری عربی است در زبان فارسی باقی ماند و بواسطه تغییرات و انطباق با ذوق ایرانی تحریفات و تغییراتی در آن بعمل آمد که جزء ثابت زبان فارسی شده و موجب مزید فصاحت و کمال و دل نشینی و چشم گیری زبان گردید.

عربها، خواه قبل از اسلام و خواه بعد از اسلام، با آنکه بر ایران، در سایه قرآن، مسلط شدند و همه نوع نفوذ و قدرت داشتند متجاوز از دوهزار لغت فارسی وارد زبانشان شده است که در آن تغییرات و تحریفات زیاد بعمل آورده اند که صدها نمونه آنرا این بنده در مقدمه چاپهای فرهنگ آموزگار مخصوصاً چاپ چهارم که اخیراً آماده انتشار شده است شرح داده ام و حتی بیش از ده لغت فارسی که در قرآن کریم است نیز پیدا کرده ام.

در این صورت بدیهی است که معامله و تبادل لغت در میان ملتها مانند تبادل کالای مادی است با این تفاوت که باید این مبادله به زبان زبانی دیگر نباشد و خوش بختانه در این مورد بشهادت دیوان نظامی و مولوی و سعدی و حافظ، همه جا برد باما بوده است.

نشست و برخاست

آراست رخ خویش و چه آراستی
پیراست سر زلف و چه پیراستی
بنشست به می خوردن و برخاست برقص
به به چه نشستی چه برخاستی